



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

انارگل خوستی

دوشنبه ۱۸ دسمبر ۲۰۲۳

## تیر برادر دومی نیز دسته یافت

برادر دومی که زیادتز در صفحه نظریات به تبلیغات برای حزب نادیموکراتیک مصروف است و عکس های جلاد کابل نیز توسط همین شخص به نمایش گذاشته شده بود، وقتی دید که برادرش شروع نموده است به هوشدار دادن و اخطار دادن، تیرش دسته یافت و یگ گام بلند انداخت. اولاً در باره شهادت زنده یاد احمد ظاهر، با نوشتن اینکه من با فلانی که باجه احمد ظاهر بود، آشنایی داشتم و کسی دیگری بنام صفی الله که در قتل شریک بود، رفیق من بود و بالاخره با برادر شاد روان احمد ظاهر نیز شناسایی داشتم و...، افسانه سرمگسک را آغاز نموده به امید اینکه پرچمی های جانی را برائت داده و موضوع عوض کند.

ثانیاً به صورت مطلقاً بی ربط و نامفهوم چند سطری درهم و برهم برای برائت دادن حزب نادیموکراتیک و حزبی های خون آشام خود طور ذیل قطار کرده است « و دروغگو حافظه ندارد، صرفنظر از تجاوزات متعدد بیگانگان در ادوار تاریخ در افغانستان، هرگاه ح. د. خ. ا. با رویداد قیام افسران هفت ثور، آمدن قوای نظامی شوروی یگانه عامل جنگ و ادامه در افغانستان می بود، قوای نظامی اتحاد شوروی (۳۴) سال قبل از افغانستان خارج گردید، دولت که توسط ح. د. خ. ا. بوجود آمده بود، نیز (۳۱) سال پیش از بین رفته است»، و علاوه می کند که «پس چرا جنگ در کشور خاتمه نمیگردد».

جناب یوسفی آیا مغز های گنده تان توسط استادان روسی تان، یعنی استخبارات وقت روسیه شوروی آنقدر شست و شو شده است که ذره از صله رحم در مقابل هموطنان و وطن در وجود شما باقی نمانده است؟

شما که عضو آن گروه جنایتکار بودید، حتماً در جنایات نیز با آن ها شریک بودید که این طور با سماجت و سرسختی از آن دوران دهشت و وحشت و اشغال دفاع می کنید، ننگ تان باد. جنایت کار شاخ و دم ندارد، شما را اما نمی دانم.

با کودتای ننگین تان فجیع ترین جنایات را در حق مردم بی گناه روا داشتید، خاک وطن را به شاخی باد کردید و چنان ترس و دلهره در مردم ایجاد نمودید که در تاریخ نظیر آن کمتر دیده شده است. درست است که افغانستان عزیز در طول تاریخ پر افتخار خود مورد تاخت و تاز اجنبی ها قرار گرفته است، اما هر مرتبه دوباره با سر بلند و قامت رسا عرض اندام کرده است، تفاوتی که بین اشغال وطن توسط اردوی سرخ و دیگر تاخت و تاز ها موجود است، این است که این مرتبه کودتاچیان که زمام امور را به دست گرفتند، همه فروخته شده به شوروی بودند و با بادران شان علیه مردم می جنگیدند و می خواستند وطن را در جمله اقمار شوروی سوسیالیستی شامل بسازند، شرم تان باد که هنوز هم بدون کوچکترین ندامت در مقابل وطن و ملت باز هم از حزب تان و بادران تان پشتیبانی می کنید. حال که دیگر تاریخ مصرف تان دیری می شود گذاشته است.

در زمان تاخت و تاز های قبلی بالای افغانستان عزیز، زیاده از نصف نفوس افغانستان مهاجر و بی پناه و بی خانمان و آواره و سرگردان و نیز در داخل کشور خود آواره شدند، اما فجایع که توسط شما حزبی گگ ها و بادران تان بالای مردم تحمیل شد در تاریخ کشور عزیز ما سابقه نداشت.

دلیل دوام جنگ و دربردی، بیجا شدن اتباع کشور به ممالک همسایه و ممالک دور و نزدیک دیگر، همانا کودتای خونین هفتم ثور ۱۳۵۷ و پی آمد های خونبار آن کودتای ننگین می باشد. متأسفانه همانطوریکه شما با سرنوشت وطن و ملت بازی کردید، همانطور ممالک همسایه نیز یک تعداد دیگر را باغ سبز و سرخ نشان داده و سبب ادامه جنگ ها و خونریزی ها گردیدند که نباید ناگفته گذاشت که باز هم اعضای حزب نادیموکراتیک شما ها، مانند پلنگ در لباس ملنگ خود را در بین مجاهدین جا دادند و جنگ را دوامدار ساختند. آیا نبی عظیمی و چند شرف باخته پرچمی دیگر نبودند که جنگ های کابل بین سال های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ را رهبری میکردند؟

این آقا با سیاه نمودن روی کاغذ، تکراراً و ماده وار از حزبی گگ ها و اردوی سرخ شوروی دفاع نموده است و هم از مطبوعات آزاد حرف می زند، فراموش نموده است که در زمان حکمروایی حزب نادیموکراتیک آن ها آزادی بیان کجا بود، هیچ فردی جرأت حرف زدن را نداشت چه رسد که چیزی بنویسد.

مطبوعات آزاد است، اما برای تبلیغات حزبی گگ های که باعث بربادی وطن و یک ملت سربلند گردیده اند، مجاز نیست. هر آزادی حد و حدودی دارد و آنگاه که از حد بگذرد، رسوا شود و چرند نویسی های شما وامانده های روسی نیز از حد گذشته و سر به رسوائی کشیده است.

اینکه مسئولین وبسایت های غیز حزبی با نشر نمودن مضامین تبلیغاتی حزب نادیموکراتیک خلق و پرچم وجیبه ملی خود را در مقابل شهدای راه آزادی افغانستان و بربادی وطن توسط این حزب جنایتکار اداء نمی کنند، خودشان می دانند و وجدان شان.

بالاخره روزی خواهد رسید که یک محکمه با صلاحیت در مورد جنایات شما فیصله نماید تا در کشور عزیز ما صلح پایدار مستقر گردد.

جناب اختر محمد خان، شما حتی شهادت آنرا ندارید که کودتا را کودتا عنوان کنید و آن کودتای ننگین و خونین را هنوز هم "قیام افسران" قلمداد میکنید. شاید شما هنوز تعریف مشخصی از کودتا ندارید و یا هم شهادت آنرا ندارید که کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ را که کشور و مردمی را با خاک و خون برابر کرد، کودتا قبول کرده و محکوم کنید. هر زمانیکه کودتای خونین و ننگین هفتم ثور ۱۳۵۷ را محکوم کردید، هر زمان که تجاوز وحشیانه روسیه شوروی وقت بر افغانستان را محکوم نمودید، آنگاه تاج سر هر افغان خواهید بود، اما تا آنزمان کمتر از تپی گاو هستید.